

## امام باقر (علیه السلام) و نشر فرهنگ شیعی

دوران زندگانی امام باقر (علیه السلام) مقارن با افول قدرت و هیبت امویان و اقتدار عباسیان شده بود...



دوران زندگانی امام باقر (علیه السلام) مقارن با افول قدرت و هیبت امویان و اقتدار عباسیان شده بود. در دوره‌ای که جامعه هنوز در تب و تاب بزرگ‌ترین و تأثیر گذارترین انقلاب صدر اسلام؛ عاشورا می‌سوخت و طواغیت زمان کمر به ریشه کن نمودن جنبش‌های ناشی از این انقلاب سترگ بسته بودند امام باقر (علیه السلام) در سنگری دیگر مبارزه را ادامه داد و تمام لحظات عمر با برکت خویش را صرف تعالی فرهنگ ناب شیعی نمود. امام باقر (علیه السلام) به عنوان شخصیت ممتاز علمی عصر، با تکیه بر این ویژگی خود، بزرگ‌ترین خدمات ممکن را در عصر خود به اسلام نمود. شخصیت علمی امام باقر (علیه السلام) در دوران حیات او، بسیار برجسته و محضر او همواره مملو از دانشمندان و دانشورانی بود که در جست و جوی سرچشمه دانش بودند.

۱. پویایی تلاش‌های علمی امام باقر (علیه السلام)  
امام از کودکی شکافنده دانش‌ها خوانده می‌شد؛ چرا که سرآمد دانشمندان و عالمان روزگار بود. آوازه دانش امام (علیه السلام) به تمامی سرزمین‌های اسلامی رسیده بود و مردم، به ویژه دانشوران شیفته نام و آوازه او بودند و این شیفتگی در بین مردم عراق بیشتر به چشم می‌خورد و دوست و دشمن زبان به ستایش دانایی او گشوده بودند. آمده است: هشام بن عبدالملک - خلیفه وقت - او را در مسجد الحرام دید، در حالی که بر دست غلامش تکیه کرده بود، پرسید: «آیا او همان کسی است که مردم عراق شیفته و بهت زده [علم] اویند؟» پاسخ داد: آری. سپس به غلامش دستور داد تا نزد او برود و امام را برای پاسخ به پرسش‌های خلیفه فرا خواند. خلیفه پرسش‌هایش را مطرح کرد و امام به گونه‌ای پاسخ داد که هشام خاموش ماند و هیچ نتوانست بگوید.  
با این مقدمه نیکوست نگاهی به تلاش‌های سودمند و کارآمد امام در مسیر پیشبرد اهداف اسلامی و اشاعه فرهنگ ناب علوی انداخته شود.

۲. پی‌ریزی تدوین حدیث در پی انحرافات عمیقی که پس از رحلت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) به وجود آمد، رخداد تأسّف برانگیزی دامن‌گیر جهان اسلام شد و آن جلوگیری از تدوین احادیث اهل‌بیت (علیهم السلام) بود که آثار زبان‌بار آن سالیان دراز بر پیشانی فرهنگ دینی مردم باقی ماند. نزدیک به یک قرن از نگاشتن و محفوظ داشتن احادیث نبوی (صلی الله علیه و آله) و سخنان تابناک اهل‌بیت (علیهم السلام) جلوگیری شدیدی به عمل آمد و به جای آن سیل عظیمی از تحریفات در زمینه احادیث نبوی و جعل آن‌ها به فرهنگ و اعتقاد مردم روی آورد که به «اسرائیلیات» شهرت یافت؛ تا سال ۱۰۰ هجری که «عمر بن عبدالعزیز» فرمان تدوین احادیث را به «ابوبکر بن محمد انصاری» صادر کرد.  
او که از رجال و بزرگان تابعین به شمار می‌رفت و از اصحاب علی (علیه السلام) شمرده می‌شد، به بازگرداندن فدک به اهل‌بیت (علیهم السلام) و تدوین حدیث کمر بست. امام باقر (علیه السلام) از این فرصت استثنایی کمال بهره‌را برد و بیان احادیث را آغاز کرد و راویان مختلف از ایشان ده‌ها هزار حدیث نقل کردند. در واقع، امام باقر (علیه السلام) نماینده مکتب اهل‌بیت (علیهم السلام) و نخستین سرو سامان دهنده احادیث تابناک معصومان (علیهم السلام) بود.  
از این رو، بسیاری از محدثان وقت با دیدن تلاش‌های بی دریغ امام، به نگاشتن و نگاهداری سخنان امام کمر بستند و بدین سبب، بیشتر احادیث اهل‌بیت (علیهم السلام)، از امام باقر و امام صادق (علیهم السلام) است.

۳. اصول استنباط احکام فقهی یکی از شاخه‌های بزرگ علوم اسلامی «علم اصول» است که با بهره‌گیری از آن احکام شرعی را از ادله شرعی استخراج می‌کنند. از این رو، اجتهاد متوقف بر آن است و مجتهد برای استنباط احکام شرعی به آن نیاز مبرم دارد و ملکه اجتهاد برای او حاصل نمی‌شود، مگر اینکه به تمامی بحث‌های آن آشنایی کامل داشته باشد.  
تمامی دانشمندان شیعی بر این باورند که امام باقر (علیه السلام)، نخستین کسی بود که این علم را تأسیس کرد و قواعد آن را به وجود آورد و بدین وسیله دروازه اجتهاد را به روی دانشمندان اسلامی گشود.  
قواعدی را که امام تأسیس کرد به این نام‌ها در بین اصولیین شهرت یافت. استصحاب، قاعده تجاوز، قاعده فراغ، قاعده نفی ضرر، علاج تعارض بین اخبار و... تمامی این قواعد به همراه اخباری که از امام در مورد آنها صادر شده است، در کتاب‌های اصولی موجود است. به گونه‌ای که هر یک از این روایات، درون مایه تأسیس قاعده‌ای بزرگ در اصول فقه قرار گرفت و آن را مبنای قواعد اصولی قرار دادند.  
امام باقر (علیه السلام) وقتی باب اجتهاد را به روی دانشمندان گشود، عده‌ای با اتخاذ برخی شیوه‌های نادرست در اجتهاد، مانند «قیاس» و «استحسان» استنباط احکام شرعی را با خطری جدی روبه‌رو کردند. آنان با قوانینی این گونه، گاه به مخالفت با نصّ کتاب و سنت و سیره رسول خدا (صلی الله علیه و آله) برخاستند.

از این دانشمندان، می‌توان از «نعمان بن ثابت» نام برد که به نام «ابو حنیفه» شهرت یافت. او فتاوی عجیب و قیاساتی را وارد کرد و بر پایه گمان و سلیقه خود فتوایی داد که این فتاوی اکنون در دست است. از دیگر این افراد می‌توان از «سفیان بن سعید بن مسروق» مشهور به «سفیان ثوری» نام برد که برخی نیز او را از اطرافیان امام صادق (علیه السلام) ذکر کرده‌اند. از این روایاتی در دست است که دلالت بر کژ اندیشی او دارد. آنان گاه مورد لعن اهل‌بیت (علیهم السلام) نیز قرار می‌گرفتند. آنچه اهمیت دارد این است که این گونه برداشت‌های اشتباه و به کارگیری شیوه‌های نادرست در استنباط احکام، همواره مورد

ذمّ اهل بیت (علیهم‌السلام) بوده و بخشی از تلاش‌های امام باقر (علیه‌السلام) را نیز در زمینه مبارزات فرهنگی به خود اختصاص می‌داده است. امام برای زدودن این شیوه و به کارگیری کارکردهای صحیح اجتهاد به اصحاب وارسته خود می‌فرمود: «سنت رسول خدا قیاس بردار نیست. چگونه می‌توان قیاس را ملاک [استنباط حکم] قرار داد، در حالی که بر زن در دوران قاعدگی اش قضای روزه واجب است، ولی قضای نماز واجب نیست؟»

۶. باز یافت بهره‌گیری صحیح از قرآن  
هر چند سیاست جلوگیری از تدوین احادیث نبوی (صلی الله علیه و آله) با شعار «کافی بودن قرآن» پیش می‌رفت، اما از عمل به قرآن خبری نبود و فقط از آن به صورت ابزاری برای جلوگیری از نشر معارف اهل بیت (علیهم‌السلام) استفاده می‌شد. کتاب خدا به ابزاری برای دست یابی به اغراض سیاسی و سرکوبی پیروان اهل بیت (علیهم‌السلام) با تأویل و تفسیر به رأی، به ابزار سرکوبی مخالفان تبدیل شده و در واقع، قرآن در انزوای شدید بود.

امام باقر (علیه‌السلام) در جایگاه بهترین مفسر قرآن با بازگو کردن تفسیر درست آیات، بسیاری از ابهام‌ها را زدود و مشتم مخالفان و سودجویان را باز کرد. او همواره برای به اثبات رسانیدن مدّعاهای خود از آیات قرآن بهره می‌جست و کلام خدا را

گواه بر سخن خویش می‌گرفت و می‌فرمود: «هر آن‌چه را می‌گویم از من سؤال کنید که در کجای قرآن آمده تا آیه مربوط به آن را برایتان تلاوت نمایم». امام به اندازه‌ای بر آیات قرآن تسلط داشت که «مالک ابن اعین جهنی» شاعر هم عصر امام درباره او سرود: اگر مردم در صد جست و جوی علوم قرآن برآیند، باید بدانند که قریش بهترین دانای آن را دارد و اگر امام باقر (علیه‌السلام) در

علوم قرآنی لب به سخن گشاید، فروع زیادی برای آن ترسیم خواهد نمود...»  
شایان ذکر است که امام کتابی در تفسیر قرآن نگاشت که «زیاد بن منذر» و بسیاری از بزرگان چون «ابو بصیر» از آن روایت می‌کردند.

۷. مرجعیت فقهی  
از دیگر تلاش‌های چشم‌گیر امام در جهت نشر تعالیم اسلامی، مرجعیت عملی امام در پاسخ‌گویی به مسائل فقهی مردم بود. «ابو حمزه ثمالی» می‌گوید:

«نزد امام باقر (علیه‌السلام) در مسجد پیامبر (صلی الله علیه و آله) نشسته بودم که مردی نزد من آمد و سلام کرد و پرسید: کیستی ای بنده خدا؟ گفتم: از کوفیان هستم، چه می‌خواهی؟ گفت: آیا ابا جعفر را می‌شناسی؟ گفتم: بله، کارت با او چیست؟ گفت: چهل مسئله آماده کرده‌ام و در پی جواب آنم تا بدانم به کدام باید عمل کنم... در این هنگام، امام وارد شد؛ در حالی که جماعتی از اهل خراسان و دیگر استان‌ها همراه وی بودند و در مورد مسائل حج از امام می‌پرسیدند. آن مرد نیز نزدیک امام نشست و پرسش‌های خود را مطرح کرد و پاسخ گرفت.»

همچنین، بسیاری از دانشمندان چون «قتاده بن دعامة»، «طاووس یمانی»، «عاصم بن عمر»، هرگاه حضرت را می‌دیدند برای پاسخ گرفتن پرسش‌های خود از لحظات بهره می‌جستند و در هر حالی از امام سؤال می‌کردند. نمونه‌های زیادی از این گونه گفت و گوها و پرسش و پاسخ‌ها در تاریخ آمده است.

۹. رهیافت شناساندن جایگاه امام  
امام باقر (علیه‌السلام) تلاش فراوانی برای جلب دل‌ها به سوی دوستی اهل بیت (علیهم‌السلام) مبذول می‌داشت و در صد بود تا با این شیوه، جایگاه امامت را به گونه‌ای روشن‌تر برای مردم ترسیم کند و وسیله نجات و رستگاری را به آنان بنمایاند. «حکم بن عتیبه» طی داستان تأثیر گذاری در این باره می‌گوید:

«من کنار ابا جعفر (علیه‌السلام) در مجلس پر ازدحامی نشسته بودم که پیرمردی عصا زنان وارد مجلس شد. بر آستانه در ایستاد و گفت: درود و رحمت خدا بر تو ای پور پیامبر. امام پاسخ سلامش گفت. سپس رو به حاضران کرد و به آنان نیز سلام نمود. سپس پیش روی امام آمد و گفت: ای پسر فرستاده خدا! مرا نزدیک خود جای ده که جانم فدایت باد! به خدا سوگند که من شما (اهل بیت) را دوست می‌دارم و با هر که شما را دوست بدارد دوستم و به خدا سوگند که این دوستی با شما (اهل بیت) و دوستداران‌تان به خاطر مطامع دنیوی نیست. من از دشمنان شما بیزارم و سوگند که دشمنی‌ام با آنان به خاطر گمراهی و زبونی‌شان است. سوگند که حلال شما را حلال می‌دانم و حرامتان را حرام و دستوراتان را بر چشم قرار داده‌ام. فدایت شوم، آیا بر من امیدی [از رستگاری] هست؟ امام به او فرمود: جلوتر بیا. و او را آنقدر به پیش خواند که پهلوی خود نشانند و فرمود: ای پیرمرد! مردی از پدرم علی بن الحسین (علیه‌السلام) همین را پرسید و پدرم پاسخ داد: آن‌گاه که از دنیا رخت بر بستی، نزد جدم رسول خدا (صلی الله علیه و آله)، حسن (علیه‌السلام) و حسین (علیه‌السلام) و فرزندانش وارد می‌شوی. دلت سرور می‌یابد، خاطرت آسوده می‌گردد، چشمت [به دیدارشان] روشن می‌شود و به بهترین گونه نزد پروردگارت حاضر می‌شوی و آن‌گاه که جانت به این‌جا رسید - و به گلوی پیرمرد اشاره فرمود - در بالاترین منزلگاه با ما خواهی بود و زندگانی آخرت، روشنی چشمت خواهد شد. پیرمرد از خرسندی پرسید: چگونه؟ امام باز هم برایش گفت. پیرمرد با شور و اشتیاقی بسیار گفت: الله اکبر! آیا به راستی آن‌گاه که بمیرم نزد پیامبر و خاندانش وارد می‌شوم و [از دیدارشان] دیده روشن می‌کنم؟ ...

اشک شوق بر رخسار پیرمرد تراوید، زانوانش سست شد، گریه‌اش بالا گرفت و بر زمین نشست. حاضران نیز با دیدن این عشق بازی اشک شوقشان بیرون تراوید. امام اشک از چشمان پیرمرد پاک کرد. پیرمرد گفت: ای فرزند فرستاده خدا! فدایت گردم دستت را به من بده. دست امام را گرفت بوسید و بر صورت و چشمانش کشید. آن‌گاه گریبان گشود و دست امام را بر روی قلب خود گذاشت و گفت: سلام خدا بر شما (اهل بیت (علیهم‌السلام)) باد و رفت. امام به حاضران رو کرد و فرمود: هر که دوست دارد مردی از اهل بهشت را ببیند به او نگاه کند. راوی می‌گوید: هرگز مجلسی را چنین حسرت زده ندیده بودم.»

۱۱. نیایش؛ کانون ترویج آموزه‌های دینی  
یکی از فعالیت‌های بارز امامان در زمینه نشر تعالیم دینی و آموزه‌های بلند عرفانی، بهره‌گیری از زبان نیایش برای اشاعه فرهنگ ارتباط با خدا در تمامی حالات زندگی است. آنان در هنگامی که جامعه را امواج تلاطم فساد و تباهی، زورگویی و زر سالاری و خفقان و اسلام ستیزی در نوردیده بود، با خدای خویش راز و نیاز می‌کردند و برای بیان بخشی از عقاید و فرهنگ

اسلامی از دعا بهره می‌گرفتند و در سنگر دعا، مردم را به توجه بیشتر به پروردگار و مبارزه با زورگویان فرا می‌خواندند. هر چند مقصود اصلی آنان در این نیایش، بندگی و پرستش خدای بزرگ بود، با توجه به تعبیری که در نیایش آنها وجود دارد از لابه‌لای آن، مفاهیمی چون خلافت اهل بیت (علیهم‌السلام)، عدم سکوت در برابر ظلم و... را نیز می‌توان دریافت. در بیشتر ادعیه، جمله صلوات بر محمد و آل محمد (صلی الله علیه و آله) به چشم می‌خورد و این در حالی است که دشنام به اهل بیت (علیهم‌السلام) به ویژه امیر مؤمنان (علیه‌السلام) سکه رایج حکمرانان وقت شده و آیات خدا به دست فراموشی سپرده شده بود. امام باقر (علیه‌السلام) در نیایشی برای دریافت خواسته‌های خود از خدا، چنین می‌فرماید:

«... پروردگارا! تو را به تمامی نام‌هایت می‌خوانم که آنها را خود نامیدی و یا در کتابت فرو فرستادی، و یا آنها را بر برخی از بندگان فرا آموختی که بر محمد (صلی الله علیه و آله) و خاندان او درود فرستی و قرآن را بهار قلبم و آن را نور چشمم و وسیله از بین بردن غم‌هایم قرار دهی...».

امام در دیگر دعاهای خود افزون بر این مسائل، اعتقادات درست اسلامی را در زمینه یگانه پرستی، خدا محوری، رسالت، بازگشت به سوی خدا، وسوسه‌های شیطان و... نیز بیان می‌فرمود.

۱۲. توسعه فرهنگ انتظار  
تلاش‌های گسترده و عمیق امام باقر (علیه‌السلام) در نشر معارف اسلام ناب، مردم را به سوی فرهنگ انتظار امام آخرین «عج» سوق می‌داد. او در تبیین این فرهنگ بر آن بود تا با روشن کردن زوایای پنهان فرج آل محمد (صلی الله علیه و آله) و پاسخ دادن به پرسش‌های گوناگون، غیبت و ظهور او را امری خدادادی و خارج از اختیار معرفی و نیز منتظران را به انتظار ظهور او ترغیب کند. «ام‌هانی ثقیفه» می‌گوید: «بامداد، خدمت سرورم محمد بن علی الباقر (علیه‌السلام) رسیدم و گفتم: سرورم! آیه‌ای از کتاب خدا بر دلم خطور کرده و مرا پریشان ساخته و خواب از چشمم در رفته است. فرمود: بپرس ای ام‌هانی. گفتم: «فلا أقسم بالخنس الجوار الكنس» (تکویر: ۱۵ و ۱۶) فرمود: ای ام‌هانی! خوب مسئله‌ای پرسیدی. او مولودی در آخر الزمان است. او مهدی این دودمان است و برای او غیبتی خواهد بود که اقوامی در آن گمراه می‌شوند و گروهی نیز هدایت می‌یابند و خوشا بر تو اگر او را دریابی و خوشا به حال کسی که او را دریابد.»

۱. محمد بن النعمان، الارشاد، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ چهارم، ۱۳۷۸ ه. ش، ج ۲، ص ۲۲۶؛ شیخ عباس قمی، الانوار البهیه، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۷ ه. ق، چاپ اول، ص ۱۳۵.

۲. همان، ص ۲۲۴؛ بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۲۲۲.

۳. قاموس الرجال، ج ۱۱، ص ۲۲۲؛ ابن عماد ابوالفلاح عبدالرحی بن احمد بن محمد العکری الحنبلی، تذکرات الذهب فی اخبار من ذهب، بیروت، دار ابن کثیر، ۱۴۰۸ ق، چاپ اول، ج ۲، ص ۹۰.

۴. باقر شریف قرشی، حیاة الامام محمد الباقر (علیه‌السلام)، نجف، مطبعة النعمان، ۱۳۹۷ ق، چاپ اول، ج ۱، ص ۲۲۶.

۵. نک: وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۱۰۰۶، ابا جعفر محمد بن الحسن بن علی الطوسی، تهذیب الاحکام، تهران، مکتبه الصدوق، ۱۴۱۷ ق، چاپ اول، ج ۱، ص ۴۴۶؛ همان، الاستبصار فیما اختلف من الاخبار، بیروت، دار الاضواء، ۱۴۰۶ ق، چاپ سوم، ج ۱، ص ۱۸۳.

۶. روح الله خمینی، الاستصحاب، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۴۱۷ ق، چاپ اول، ص ۴۱؛ مرتضی انصاری، فرائد الاصول، قم، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۶ ق، چاپ ششم، ج ۲، صص ۵۶۴ و ۶۹۷، ۷۳۷؛ محمد باقر صدر، دروس فی علم الاصول، قم، مرکز الابحاث و الدراسات التخصصیه للهدیة الصدر، ۱۴۲۱ ق، ج ۱، ص ۴۵۴.

۷. المفید من معجم رجال الحدیث، ص ۶۴۱.

۸. ن. ک، محمد تقی التستری، قاموس الرجال، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، چاپ دوم، ۱۴۱۵ ق، ج ۱۰، صص ۳۷۶ - ۳۸۶.

۹. المفید من معجم رجال الحدیث، ص ۲۵۵.

۱۰. محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۰۳ ق، ج ۲، ص ۳۰۶.

۱۱. بحار الانوار، ج ۲، ص ۳۰۷.

۱۲. ابو منصور احمد بن علی بن ابی‌طالب الطبرسی، الاحتجاج، قم، دار الاسوه للطباعة و النشر، چاپ دوم، ۱۴۱۶ ق، ج ۲، ص ۱۶۹.

۱۳. سید جمال الدین احمد بن علی بن الحسنی معروف به ابن عنیه، عمده الطالب فی انساب آل ابی‌طالب، نجف، منشورات المطبعة الحیدریه، ۱۳۸۰ ق، چاپ دوم، ص ۱۹۵؛ علی بن محمد، ابن احمد مالکی، الفصول المهمه فی معرفه الائمه، قم، مؤسسه دار الحدیث الثقافیه، چاپ اول، ۱۴۲۲ ق، ج ۲، ص ۸۷۹، الارشاد، ج ۲، ص ۲۲۶.

۱۴. المجمع العالمی لاهل البیت، اعلام الهدایه، قم، مرکز الطباعه و النشر للمجمع العالمی لاهل البیت، چاپ اول، ۱۴۲۲ ق، ج ۷، ص ۲۱۵.

۱۵. بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۳۵۷.

۱۶. ن. ک: همان، صص ۳۴۹ - ۳۵۴.

۱۷. بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۳۶۱.

۱۸. ابوالقاسم علی بن موسی بن جعفر بن طاووس، مهج الدعوات و منهج العبادات، بیروت، منشورات مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۴ ق، چاپ سوم، ص ۲۱۳.

۱۹. ن. ک: همان، صص ۲۱۲ - ۲۱۹ و ۲۵۷.

۲۰. ابو جعفر بن علی بن الحسین بابویه القمی الصدوق، کمال الدین و تمام النعمه، تهران، مکتبه الصدوق، ۱۳۹۰ ق، ج ۱، ص ۳۳۰.